

اهرنګ محمد علی شاه

یا

اهرنګ سردار اسعد

www.ketab.ir

سرشناسه : اورنگ، عبدالحسین، ۹۱۲۶۷ - ۱۳۴۵.
عنوان و نام پدیدآور : اورنگ محمدعلی شاه یا اورنگ سردار اسعد : خاطرات عبدالحسین اورنگ
شیخ الملک (مشاور حاج علیقلی خان بختیاری سردار اسعد) / مقدمه و تصحیح محسن حیدری.
مشخصات نشر : تهران: نشر تمتی، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری : ۲۴۰ ص: مصور.

فروست: خاطرات و سفرنامه های سرزمین بختیاری؛ ۱.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۲۰۴-۰-۱

وضعیت فهرست نویسی : فیفا

یادداشت: بخشی از مطالب این کتاب قبلاً در سال های دهه چهل هجری شمسی به صورت پاروقی
در مجله ای خاطرات وحید به مدیریت سیف الله وحیدنیا منتشر شده است.

موضوع : اورنگ، عبدالحسین، ۹۱۲۶۷ - ۱۳۴۵. -- خاطرات

موضوع : سیاستمداران ایرانی -- قرن ۱۴ -- خاطرات

شناسه افزوده : حیدری، محسن، ۱۳۴۳ - ، مقدمه نویس، ویراستار

ردیف بنده ی سحرده DSR۱۴۸۶ / الف۸۸۴۳۱۲۹۴

رده بندی دیویی ۹۵۵/۰۸۲۴۰۹

شماره ثبت کتابخانه ملی ۴۱۱۴۶۲۴

اورنگ محمد علی شاه یا اورنگ سردار اسعد

(خاطرات عبدالحسین اورنگ شیخ الملک)

مقدمه و تصحیح: محسن حیدری

ناشر: تمتی، تهران

نوبت چاپ: اول

شمارگان: یک هزار نسخه

تاریخ نشر: ۱۳۹۵

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۲۰۴-۰-۱

طراحی جلد: غزل ادیب

تایپ و نمونه خوانی: سحر عباسی

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

نشانی: تهران، تهران، خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه،

مجمع فروزنده، طبقه چهارم، واحد ۷۰۲

کدپستی: ۱۳۱۴۷۴۴۳۶۳ تلفن ۰۹۱۲۰۱۹۰۲۷۰



www.tamti.ir

با سپاس از جناب آقای ارسلان شهنی که حامی نشر تمتی در انتشار این اثر بودند.

فهرست اجمالی

۱۷	مقدمه مصحح
۲۳	فصل اول
۳۳	فصل دوم
۴۹	فصل سوم
۵۹	فصل چهارم
۷۱	فصل پنجم
۸۷	فصل ششم
۹۹	فصل هفتم
۱۱۱	فصل هشتم
۱۲۱	فصل نهم
۱۳۳	فصل دهم
۱۴۵	فصل یازدهم
۱۵۱	فصل دوازدهم
۱۶۷	فصل سیزدهم
۱۸۱	فصل چهاردهم
۱۸۷	فصل پانزدهم
۱۹۵	فصل شانزدهم
۲۱۱	نمایه
۲۲۳	تصاویر

فهرست تفصیلی:

(عمل‌بندی و انتخاب تیتراها توسط مصحح صورت گرفته است)

فصل اول:

- توضیحی بر یادداشت‌های حادرات ۲۳
- چرایی و چگونگی نگارش خاطرات ۲۳
- مختصری درباره‌ی پدرم آخوند ملا عبدالرسول و تحصیلات اولیه‌ی من ۲۴
- مهاجرت از تهران و بهره‌مندی از محضر علمای کربلا و نجف ۲۵
- خاطرات آخوند خراسانی درباره‌ی آخوند ملا عبدالرسول و ناصرالدین‌شاه ۲۶
- ظهور بیماری وبا در عراق و مهاجرت به ایران ۲۸
- ورود به قم و ابتلا به بیماری وبا ۲۹
- ورود به تهران و اطلاع از فوت آخوند ملا عبدالرسول ۳۱
- دایر کردن دکان در چهارسوی بزرگ در تهران ۳۲

فصل دوم:

- ورود به رشت و ملاقات با ابوالفضل میرزا عضدالسلطان والی گیلان ۳۳
- ورود مظفرالدین شاه و عین الدوله صدراعظم به رشت ۳۳
- آشنایی با جعفرقلی خان بهادرالدوله فرزند سردار اسعد بختیاری ۳۴
- شرح ملاقات بعدی با جعفرقلی خان فرزند سردار اسعد بختیاری ۳۴
- سفر از رشت به بادکوبه و جدال مسلمانان و آرامنه ۳۵

- ۳۵ ورود به مشهدسر (بابلسر) و شرح ملاقات‌ها
- ۳۷ ورود به بارفروش (بابل) و شرح ملاقات‌ها
- ۳۷ بازگشت از فیروزکوه مازندران به تهران و قم
- ۳۸ ورود به اصفهان و ملاقات با آقاجقی اصفهانی
- ۳۹ اختلاف آقاجقی و ظل‌السلطان بر سر درجه میان
- ۴۰ نوبت انبارهای گندم ظل‌السلطان توسط مردم به دلالت آقاجقی
- ۴۳ نحوه‌ای از حد نخوردن نوکر شعاع‌السلطنه و زیرکی آقاجقی
- ۴۵ زیرکی آقاجقی و جوراندن زنان حرم ظل‌السلطان
- ۴۶ خاطره‌ای از دربار اسعد درباره‌ی گفتگوی آقاجقی با خان‌های بختیاری

فصل سوم:

- ۴۹ سفر به شیراز و شرح ماجرای حاکم بزدن «شوریده» توسط صاحب‌دیوان
- ۵۰ دلجویی ناصرالدین‌شاه از شوریده‌ی شیرازی
- ۵۱ شرح شوخی ناصرالدین‌شاه و حاضر جوابی «شوریده»
- ۵۲ اعتراض مردم شیراز به تعدیات شعاع‌السلطان
- ۵۲ سفر به اصفهان به همراهی حاج شیخ ابن‌الشیخ
- ۵۲ شنیدن اخبار تهران مبنی بر تقاضای عزل عین‌الدوله صدر اعظم
- ۵۳ شرح ملاقات اول ظل‌السلطان و حاج شیخ ابن‌الشیخ
- ۵۵ شرح ملاقات دوم ظل‌السلطان و حاج شیخ ابن‌الشیخ
- ۵۷ حاج شیخ ابن‌الشیخ و رد کردن کمک مالی ظل‌السلطان

فصل چهارم:

- ۵۹ سفر حاج شیخ ابن‌الشیخ به تهران و مخالفتش با دروایش
- ۶۰ گفتگوی ابن‌الشیخ با مظفرالدین‌شاه درباره‌ی مشروطیت
- ۶۳ هدیه فرستادن مظفرالدین‌شاه برای حاج شیخ ابن‌الشیخ

فهرست تفصیلی ۱۱

- فوت مظفرالدین شاه و جلوس محمدعلی شاه و مخالفتش با مشروطه ۶۴
 قصد انقلابیون برای ممانعت از ورود اتابک اعظم به رشت ۶۴
 سخنان علی اصغر خان اتابک برای اعیان درباره‌ی مشروطیت ۶۷
 ملاقات با مهدیقلی خان مخبرالسلطنه و شفاعت یکی از فراشان نزد او ۶۹

فصل پنجم:

- رسیدن اخبار طهران و مخالف محمدعلی شاه با مشروطه ۷۱
 مخبره‌ی تاسراف اتمام شهرها و مخالفت با محمدعلی شاه ۷۲
 رسیدن تلگراف صدراعظم مبنی بر توپ بستن به مجلس ۷۲
 رسیدن تلگراف دستور ازداشت و اعدام من ۷۳
 حرکت سریع از لاهیجان برای فرار از بازداشت و اعدام ۷۳
 حرکت به قزوین و تلاش بی‌مر در جلب شفاعت شیخ الاسلام ۷۵
 گرفتن کالسکه بدون پول از چاپارخانه قزوین به مقصد طهران ۷۷
 رفتن به در خانه‌ی مشکوه‌السلطنه و رانده شدن از آن محل ۷۷
 رفتن به در خانه‌ی حاج سید محمود و مخفی شدن در زیرزمین ۷۸
 مساعدت دوستان برای ملاقات با محمدعلی شاه در آن شهر ۸۱
 ملاقات با محمدعلی شاه و قبول عذر تقصیر از سوی شاه ۸۳
 ملاقات خصوصی با شاه و برخورداری از الطاف همایونی ۸۴

فصل ششم:

- سفر به اسلامبول و سخنرانی در متینگ ایرانیان اسلامبول ۸۷
 دریافت نامه و شیرینی از طرف سفیر ایران در ترکیه ۹۰
 ملاقات با پرنس ارفع‌الدوله و برخورداری از حمایت او ۹۲
 ملاقات با پادشاه عثمانی و آشنایی با «نادیده» ۹۴
 جشن «خضر و الیاس» در اسلامبول ۹۶

فصل هفتم:

- ۹۹ تلگرام دعوت از سوی سردار اسعد و پسرش
- ۹۹ پاسخ من به تلگراف علیقلی خان سردار اسعد و پسرش
- ۱۰۰ سفر به ادسا و ملاقات با محمدعلی شاه در غربت
- ۱۰۱ حدیث نفس شاهی و افشای اسرار قتل علی اصغر خان و دیگران
- ۱۰۱ نیدن شاه و برملا کردن اسرار قتل صوراسرافیل و قزوینی
- ۱۰۲ عتاب وجدان بعدی یکی از قتل‌های علی اصغر خان
- ۱۰۲ ژکین شاه در راه تقی زاده و تأکید بر سلامت مالی او
- ۱۰۳ پیام محرمانه محمدعلی شاه به سردار اسعد
- ۱۰۴ جلوگیری نظریه‌های شت از ورود سالارالدوله به بندر انزلی
- ۱۰۴ پناه بردن رعایای سیلان، امامزاده‌ها هنگام اختلاف با اربابان
- ۱۰۸ رسوایی اخلاقی سه برادر یونس در لاهیجان

فصل هشتم:

- ۱۱۱ ورود به ایران و به عمل آمدن استقبال از سوی سردار اسعد
- ۱۱۱ اسرار مشروطه در اتاق جلسات سردار اسعد موسم به اتفاق زرد
- ۱۱۳ درسی که از جلسات محرمانه‌ی اتاق زرد سردار اسعد آموختم
- ۱۱۴ نظر سردار اسعد درباره‌ی پیام محرمانه و تقاضای شاه
- ۱۱۴ پیام محرمانه‌ی سالارالدوله به جعفرقلی خان پسر سردار اسعد
- ۱۱۵ درباره‌ی اجداد سردار اسعد در منطقه‌ی بختیاری
- ۱۱۶ قتل پدر سردار اسعد به دست ظل السلطان
- ۱۱۸ حوادث پس از قتل حسینقلی خان بختیاری و حبس سردار اسعد

فصل نهم:

- ۱۲۱ شرح سرگذشت سردار اسعد از زبان خودش

- سردار اسعد گوید: حاشا کرد محمدحسین تاجر امانت اموال پدرم را ۱۲۱
- سردار اسعد گوید: سفر به تهران به قصد پناهنده شدن به اتابک ۱۲۲
- سردار اسعد گوید: رفتن نزد عموها امامقلی خان و رضاقلی خان ۱۲۳
- سردار اسعد گوید: قوت قلبی که از سخنان یک منشی احساس نمودم ۱۲۴
- سردار اسعد گوید: سفر دوم به تهران برای پناهنده شدن به اتابک ۱۲۵
- سردار اسعد گوید: دستور اتابک برای پذیرایی از من بعد از پناهنده گی ۱۲۶
- سردار اسعد گوید: اقامت در منزل اتابک با پذیرایی شاهانه ۱۲۷
- سردار اسعد گوید: در ظل السلطان و آزادی اسفندیار خان ۱۲۷
- سردار اسعد گوید: در داد اسفندیار خان و من به اصفهان و بختیاری ۱۲۸
- سردار اسعد گوید: مذاکره با امیر علی خان و عموزادگان ۱۲۸
- سردار اسعد گوید: توافق بنواد علی خان و حاج ایلخانی ۱۲۹
- سردار اسعد گوید: محروم نمردن بنواد علی خان ۱۳۰
- سردار اسعد گوید: توافق خانواده بنواد علی خان و حاج ایلخانی ۱۳۱

فصل دهم:

- علت قیام مردم علیه محمدعلی شاه و سلطنت استبدادی ۱۳۳
- اقامت سردار اسعد در پاریس در وقت سرکوب مشروطه در ایران ۱۳۴
- مذاکرات مخبر السلطنه هدایت با سردار اسعد در پاریس ۱۳۵
- مذاکرات سردار اسعد و جلب بی طرفی انگلیس در نبرد ملت با شاه ۱۳۵
- عزیمت از فرانسه به ایران و ورود به بختیاری و اصفهان ۱۳۶
- عزیمت سردار اسعد و اردوی بختیاری به سوی تهران ۱۳۷
- خیال پیرم خان ارمنی برای کودتا و ممانعت بختیاری ها ۱۳۷
- دشواری جعفرقلی خان بختیاری در همراهی و مهار همزمان پیرم خان ۱۳۸
- سفر سردار بهادر بختیاری به اروپا و هجوم دوباره ی سالارالدوله ۱۳۹
- درخشیدن رضاخان در جنگی به فرماندهی فرزند سردار اسعد ۱۳۹

- ورود جعفرقلی خان بختیاری به ایران و استقبال از وی در گیلان ۱۴۰
برخورد شاهزاده‌ی قاجار با فرزند سردار اسعد در منجیل ۱۴۰

فصل یازدهم:

- حرکت سردار بهادر از تهران به قصد اصفهان و بختیاری ۱۴۵
ملاقات با قنصل سابق روس و قاتل ثقه‌الاسلام تبریزی ۱۴۵
ملاقات با حاج آقاجعفری و شرح خوابش درباره‌ی روس‌ها ۱۴۶
تعبیر شدن خواب آقاجعفری و تنبیه متجاوز به حرم امام رضا(ع) ۱۴۷
تقال صامال منطقه به مثنوی در تجاوز به حرم امام رضا(ع) ۱۴۸

فصل دوازدهم:

- تکلیف دولت به بختیاری برای حفا بی طرفی در جنگ بین الملل ۱۵۳
فعالیت علمای نجف علیه انگلیس و تکیه شیخ خزعل ۱۵۳
تلاش انگلیس برای اعلام استقلال بختیاری در جنگ بین الملل ۱۵۴
مخالفت فرزند سردار اسعد با تقاضاهای سرپرستی کاکس ۱۵۵
سل استخوانی در پای امیر جنگ و معالجه‌ی آن توسط یک بختیاری ۱۵۶
حرکت سردار بهادر به تهران و استقرار کابینه‌ی مستوفی‌الممالک ۱۵۷
جلسه‌ی خان‌های بختیاری و ابقای جعفرقلی خان به حکومت کرمان ۱۵۹
همراه‌بردن نخستین اتومبیل به یزد برای امیر حسین خان ۱۵۹
روبرو شدن با آوارگان جنگی جبل عامل سوریه در اطراف یزد ۱۶۰
سفر از یزد به کرمان با اتومبیل برای دیدار سردار اسعد ۱۶۱
اجاره‌دادن سه دانگ زیدون بهبهان به شیخ خزعل ۱۶۲
سفر به کویت برای ملاقات با شیخ خزعل ۱۶۲
شفاعت شیخ خزعل برای سید صالح حکماوی ۱۶۳
حرکت روس‌ها به سمت تهران و تصمیم شاه برای انتقال پایتخت ۱۶۳

فهرست تفصیلی ۱۵

- انصراف شاه از انتقال پایتخت و روضه خوانی من در حضور شاه ۱۶۴
دشمنی روس‌ها با خاندان سردار اسعد و بختیاری‌ها ۱۶۵
خشم انگلیسی‌ها از سردار اسعد و پیشبینی آتیه‌ی برای او ۱۶۶

پیوست‌ها:

- فصل سیزدهم: پیوست ۱؛ شنیده‌های پیرامون اسرار قتل ناصرالدین شاه ... ۱۶۷
فصل چهاردهم: پیوست ۲؛ اعلان؛ خط حرکت جنازه مرحوم سردار اسعد ... ۱۸۱
فصل پانزدهم: پیوست ۱؛ گزارشی از حادثه‌ی درگیری بختیاری‌ها و ژاندارم‌ها.. ۱۸۷
فصل شانزدهم: پیوست ۱؛ خاطره‌ای از ملاقات شیخ عبدالله حائری و رضاشاه.. ۱۹۵

مقدمه مصحح:

خاطره‌گویی «دعوت»ی است برای تماشای آن «بازی» که روزگار با من کرد و نقشی که من بر روزگار زدم. یکی از این دعوت‌های بی‌تکلف را در خاطره‌نویسی میرزا عبدالحسین مازندرانی (۱۲۶۷ - ۱۳۴۵ هـ. ش) متخلص به «اورنگ» مشاهده می‌کنیم؛ که البته بیش از آن که دعوت به تماشای خود باشد، یک میانه‌دانی فروزانانه است برای دیدن سیمای «سردار اسعد» از رهبران جنبش مشروطه‌جوی ایرانیان.

میرزا عبدالحسین مازندرانی متخلص به «اورنگ» و ملقب به «مُعین‌الاسلام» و «شیخ‌الملک»، روحانی، شاعر و قاضی عصر مشروطه، در ۱۲۶۷ هـ. ش در تهران متولد شد. پدرش آخوند ملا عبد"سول مازندرانی از روحانیون تراز اول تهران عصر ناصری و هم‌درس اخوند خراسانی بود.

عبدالحسین اورنگ (چنان‌که از خاطرات وی برمی‌آید)، علم‌دینی را در حوزه‌های علمیه‌ی تهران، کربلا و نجف آموخت و به کسوت روحانیت درآمد. وی همچنین از شاگردان حاجی میرزا عبدالله معروف به کاتب تهرانی و مرحوم سید احمد ادیب پیشاوری بود که کار جمع‌آوری و تدوین اشعار ادیب پیشاوری را به انجام رساند و از همین طریق در محافل ادبی و درباری به شهرت رسید. مظفرالدین شاه به‌خاطر سابقه‌ی ارادتی که به پدر وی

داشت و نیز با ملاحظه‌ی تسلطی که اورنگ بر معارف دینی و فنون خطابه داشت، در سال ۱۲۸۴ هـ.ش لقب «معین الاسلام» را به وی اعطا کرد.

اورنگ که پیش از مشروطیت به محافل سیاسی مرتبط با میرزا علی اصغر خان اتابک اعظم در تهران رفت و آمد داشت، با علیقلی خان بختیاری سردار اسعد آشنا شد. همچنین در رشت، باب رفاقت با «مرقلی خان بختیاری سردار بهادر» (فرزند ارشد سردار اسعد) را گشود و رشت می دوستی را با پدر و پسر را تا پایان عمر آنان مستحکم نگه داشت.

بعداً سیر اورنگ در دوره‌ی استبداد صغیر، به محمدعلی شاه نزدیک شد و پس از آن به لایمبول و از آن جا به ادسا رفت و دوستی را تازه کرد و چندی هم صحبت و انیس محمدعلی شاه در غربت بود و بسیاری از حقایق تاریخی را از شاه مخفی ایران شنید.

پس از مدتی به تهران باز رفت. به خلوت علیقلی خان بختیاری سردار اسعد راه یافت. سردار اسعد در این ایام، پس از فتح تهران و بازگشایی پارلمان و اعاده‌ی مشروطیت، یکی از بازیگران اصلی سیاست ایران شده بود و اورنگ را در سفر و حضر با خود همراه داشت.

عبدالحسین اورنگ، حامل برخی پیام‌های مجرمانه از محمدعلی شاه به سردار اسعد و از شاهزاده سالارالدوله به جعفرخان بختیاری سردار بهادر بود و بی شک این بخش از خاطرات وی، جزو منابع منسوبة فرد تاریخ معاصر ایران است.

اورنگ با حمایت سردار اسعد وارد خدمت دادگستری گردید و پس از مدتی با حکم وزیر معارف و اوقاف به سمت «وکالت عمومی اوقاف» منصوب شد. همچنین با حکم احمدشاه قاجار به «ریاست محکمه‌ی جنحه‌ی طهران» معین گردید. در انتخابات دوره‌ی سوم مجلس شورای ملی در سال

۱۲۹۳ هـ. ش اورنگ به عنوان منتخب مردم «سیرجان» وارد مجلس شد. پس از خانه نشینی و فوت علیقلی خان سردار اسعد، حیات سیاسی اورنگ در کنار فرزند وی جعفرقلی خان بختیاری ادامه یافت. وی در این دوره، لقب «شیخ المُلک» را از احمدشاه دریافت کرد.

عبدالحسین اورنگ در جنگ جهانی اول، یک سال در منطقه‌ی بختیاری ساکن بود و از نزدیکان نصیرخان سردار جنگ، حاکم وقت منصبه‌ی بختیاری، به شمار می‌رفت. اورنگ که هنوز در کسوت روحانیت به سر می‌زد، در جریان مذاکرات نظامی و سیاسی بختیاری‌ها و انگلیسی‌ها حضور داشت و از این به‌گذار موفق به برقراری روابط حسنه با مقامات سیاسی و نظامی انگلیس به ویژه سر پرسی کاکس نائب‌السلطنه‌ی بریتانیا در بین‌النهرین و فرمیده نیرها، مستقر در حوزه‌ی خلیج فارس شد. با ظهور رضاخان سردار بهادر و عرصه‌ی سیاست ایران، اورنگ در شمار نزدیکان وی قرار گرفت. اورنگ پس از آغاز سلطنت رضاشاه، همه‌روزه در اوقات فراغت و استراحت شاه به حضور وی می‌رسید و به خواندن اشعار حماسی، شاهنامه و داستان‌های تاریخی در محضر شاه می‌پرداخت.

اورنگ که از سابقه‌ی هم‌صحبتی و مجالست با شاه تن از رهبران ایران (محمدعلی‌شاه، سردار اسعد و رضاشاه) برخوردار بود، در ملاقات خود بیش از هر چیز به ترسیم سیمای سردار اسعد و بیان اراده‌ی خود به این رهبر مشروطه‌خواه می‌پرداخت. از این رو، خاطرات او می‌تواند به ترسیم دقیق‌تری از چهره‌ی سیاسی - اجتماعی سردار اسعد بختیاری کمک کند. عبدالحسین اورنگ که در دوره‌های سوم، هفتم تا سیزدهم و نیز شانزدهم تا نوزدهم به عنوان نماینده‌ی شهرهای مختلف در مجلس شورای ملی حضور داشت و یک بار هم به عنوان «رئیس سنی مجلس» انتخاب

شده بود، سرانجام در سال ۱۳۴۵ هـ.ش در ۷۸ سالگی درگذشت. از وی کتابی با عنوان «مدایح و مراثی ائمه اطهار علیهم السلام»^۱ در زمان حیاتش به چاپ رسید.^۲ همچنین مقدمه‌ای به قلم وی بر کتاب «افکار الأمم»^۳ تألیف مهدیقلی خان هدایت (مخبرالسلطنه) منتشر شده است. علاوه بر این‌ها، دیوان کامل اشعار و سفرنامه و چند اثر دیگر از وی باقی مانده است که گفته می‌شود در دستور چاپ انتشارات کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی قرار دارند.

ستاد حاضر، خاطرات «سیاسی» عبدالحسین اورنگ شیخ‌الملک است که بخشی از آن در دهه‌ی چهل در شماره‌های مختلف مجله‌ی «خاطرات وحید» منتشر شده و اکنون برای نخستین بار به صورت یکجا گردآوری و تصحیح و به انضمام برخی اسناد منتشرنشده‌ی اورنگ، ارائه شده است. اورنگ علاوه بر فعالیت‌های سیاسی، دارای علایق ادبی، فقهی و عرفانی بوده و از این‌رو گاه در شرح و تالیف برخی جزئیات مورد علاقه‌ی ادیبان، روحانیون و عرفا توجه نموده است. آنچه در این جا می‌خوانید خاطرات سیاسی اورنگ است و پژوهشگران برای مطالعه‌ی خاطرات ادبی، دینی و عرفانی وی می‌توانند به شماره‌های مختلف مجله‌ی «خاطرات وحید» با مدیریت شادروان سیف‌الله وحیدنیا در دهه‌ی چهل مراجعه نمایند.

۱. مدایح و مراثی ائمه اطهار علیهم السلام، عبدالحسین بن عبدالرسول المازندرانی الطهرانی اورنگ، بی‌تا، بی‌جا (مشمول بر ۹۱ صفحه)
۲. کتاب «مدایح و مراثی ائمه اطهار علیهم السلام»، در نمایه کتب برخی کتابخانه‌ها تحت عنوان «دیوان اورنگ» آمده است و همین مسأله باعث شده است برخی پژوهشگران گمان کنند که این دو کتاب متفاوت هستند.
۳. افکار الأمم، مهدیقلی هدایت، با مقدمه‌ی عبدالحسین اورنگ، طهران: چاپخانه‌ی مجلس، ۱۳۱۷ هـ.ش

در بخش ضmann کتاب، برخی خاطرات غیریوستار با متن اصلی کتاب که به قلم عبدالحسین اورنگ در مطبوعات دهه‌ی چهل و پنجاه منتشر شده بود، گردآوری و به شرح حال وی اضافه گردید.

همچنین یک نامه‌ی تاریخی حاوی گزارشی منحصربه‌فرد به قلم و امضا، عبدالحسین اورنگ درباره‌ی حادثه‌ی درگیری بختیاری‌ها و زروهای ژاندارم سوئدی در تهران خطاب به گیرنده‌ای ناشناس است که در کتبیته‌ی ۱ ناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران موجود بوده، بنا به وحدت موضوعی توسط مصحح به کتاب خاطرات افزوده شده است.

فصل‌بندی، از روین اورقی‌ها، انتخاب تیترو تنظیم فهرست مطالب کتاب توسط مصحح صورت گرفته است. افزوده‌های مصحح درون قلاب [] قرار گرفته و قابل تمیز از متن اصلی است. در شیوه‌ی نقطه‌گذاری متن، رسم‌الخط امروزی بنگاه‌های چاپ کتاب برای کار قرار گرفته است.

در پایان از جناب آقای ارسلان بهنی که مشوق و حامی مصحح در انتشار این اثر بودند، صمیمانه سپاس‌گزاری می‌کنم. همچنین از جناب آقای ابوالقاسم‌خان اسعد بختیاری (نوه‌ی ارجداد ارسلان اسعد دوم) بابت عکس‌های تاریخی که در اختیار این‌جانب قرار دادند تشکر می‌کنم. امید که انتشار خاطرات سیاسی عبدالحسین اورنگ مورد توجه طرف‌اندان تاریخ معاصر ایران قرار گیرد.

محسن حیدرز

heidaribakhtiari@gmail.com